

زیرگیری اسرائیل در کشتی

داوود حشمتی

رسول خادم هفته گذشته استعفا داد و در متن استعفایش جملاتی بود که نشان می‌داد ماجرا به اعتراضات اخیر او به مسأله احتمال تعلیق کشتی و اجرای رویارویی با ورزشکاران رژیم صهیونیستی باز می‌گردد. مسأله‌ای که از دیرباز وجود داشته اما می‌توان گفت اسرائیلی‌ها با یک برنامه هدفمند به دنبال زیرگیری از ایران، (در مقوله ورزش)، بخصوص به سمت کشتی رفتند. خادم این مسأله را زودتر و بهتر از دیگران درک کرد. گرچه افرادی به او گفتند افکارش "فتناس" است و "برای کشتی هزینه‌ساز"، با این حال فریادها و درخواستهای او را باید شنید. وقتی که به صراحت درخواست ورود شورای امنیت ملی در حل معضل کشتی را دارد. خادم می‌گوید: "مراجع اصلی سیاسی در کشور مواضع کشور درباره رویارویی ورزشکاران ایران با ورزشکاران رژیم صهیونیستی را به اطلاع کمیته بین‌المللی المپیک برسانند و پای آن هم بایستند".

*شیطنت اسرائیلی‌ها بخصوص در کشتی

مهم این است که بدانیم اسرائیل با یک برنامه هدفمند به سمت ورزش و بخصوص کشتی حرکت کرده است و در مرحله اول کادر فنی و رییس فدراسیون راقبانی کردند. اینکه ما در قبال این مسأله چه خواهیم کرد، بحث ثانوی و البته مهم است، اما آنچه ابتدا باید تصویر شود برنامه ریزی اسرائیل است. آنها دریافتند که می‌توانند با قرار دادن ایران در شرایط رویارویی با ورزشکاران شان کشور ما را در شرایط "باخت در تشک کشتی" قرار دهند. اما هدفگذاری مهم و اصلی، کشیدن این "باخت"، به عرصه اجتماعی، سیاسی است. از همین روزه سراغ ورزشی رفتند که مادر آن حرف زیادی برای گفتن داریم. ورزشی که برای جامعه ایران ورزشی با ریشه‌های ملی و باستانی است. ماجرا از مسأله کشتی علی‌اکبری و فریادهای "باید بازی" آغاز شد و به اوج رسید. حالا حرف خادم این است: "مستولان کشور با اعلام رسمی مواضع، تبعات ایران را بپذیرند. چرا که دیگر ادامه این وضعیت که هزینه‌هایی به ورزشکاران و مربیان تحمیل می‌شد قابل ادامه نیست." باید دقت کنیم که این موضوع در جودواز گذشته وجود داشت اما

کشیده شدنش به سمت کشتی، ما را در وضعیتی عجیب قرار داده است. خبری را که خادم می‌دهد نه فقط با نگاه ورزشی، بلکه باید با نگاه سیاسی، اجتماعی و حتی امنیت ملی مورد توجه قرار داد. او از حضور ورزشکاران که شهروند اسرائیل هم نیستند خبر داده و می‌گوید: "حضور نمایندگان رژیم صهیونیستی در مسابقات مختلف بخصوص در رشته‌هایی مانند کشتی و جودو به شدت در حال افزایش است که بسیاری از آنها شهروند اسرائیل محسوب نمی‌شوند و این موضوع باعث ایجاد خلل در روند ورزش ایران شده است."

این خبر نشان می‌دهد، اسرائیل به عمد به سمت کشتی حرکت کرده تا ایران را در داخل با مشکل مواجه کند. خادم خواسته یا ناخواسته به درستی بحث ورود شورای عالی امنیت ملی را به مسأله باز کرده است، اما ظاهراً فشارها موجب شده تا او استعفا دهد. واقعیت این است که این موضوع را باید از زاویه امنیت ملی مورد بررسی قرار داد و در سطوح مختلف امنیتی، اجتماعی و سیاسی به این پرسش پاسخ داد که: "با توجه به علاقه و نفوذ کشتی در بطن جامعه ایران، با توجه به اینکه کشتی ورزش اول کشور و ورزش باستانی ایران است، در صورت تعلیق این رشته، آیا اسرائیل به اهداف خود برای ایجاد شکاف در میان جامعه و حاکمیت نمی‌رسد؟" فکر کردن به این سوال که نشان می‌دهد اسرائیل با چه اهدافی به سراغ ریختن ورزشکاران متعدد در درون رشته کشتی روی آورده است.

آنها علاوه بر تعلیق کشتی ایران و منزوی کردن ورزش کشور که فریاد برد، برد را برایشان در جامعه بین‌المللی به همراه خواهد داشت، در داخل نیز یک شکاف عمیق میان توده‌های مردم و تصمیمات کلان کشور ایجاد خواهند کرد. آنطور که مستولان کشتی می‌گویند، دیگر امکان ندارد با راههای دیگری مانند التماس در در مانگاههای خارج برای گرفتن مصدومیت در شب مسابقه اقدام کنند. بحث تعلیق و محرومیت ورزش ایران در این باره بسیار جدی است و باید راهکار اساسی در این زمینه اندیشیده شود. در این مورد باید به یاد داشته باشیم که اسرائیل با هدفگذاری دقیق به سراغ کشتی آمده است که از یک سو بیشترین ورزشکار را ما در این رشته داریم و از سوی دیگر پیوندی عمیق با لایه‌های مختلف جامعه ایرانی دارد. ورزشی که در آن وقتی ورزشکار به رقابت می‌پردازد برای هیچ کس

مهم نیست از کدام قوم و زبان است. اسرائیلی‌ها مشخصاً برای جداسازی بدنه جامعه از راس آن به زیرگیری سیاسی در کشتی روی آورده‌اند. این روشها را در مورد آنها باید شناخت و شجاعانه برای حل آن اقدام کرد.

مقصر اصلی،

برانکو

محمد همتی



سر مربی سرخپوشان پس از فتح قاطعانه دو فصل از رقابتهای لیگ و حضور در سطحی باورنکردنی از محبوبیت حالا با یک چالش جدی روبروست، اینکه بسیاری از هواداران برخی از سلاخی او را در نحوه چینش تیم نمی‌پسندند. زمانی که او محسن ربیع خواه را با

احمد نوراللهی تعویض کرد، هزاران هوادار پر سپولیس به تشویق نوراللهی پرداختند و البته زمانی که صادق محرمی هافبک‌ها و مدافعان استقلال را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذاشت همه از خود سوال می‌کردند چرا این جوان آینده‌دار نیمه‌اول روی نیمکت نشسته بود؟ بد نیست درباره اشتباهات تاکتیکی برانکو و سوالات طرفداران نکاتی را مرور کنیم:

بشار رسن چرا آنجا؟ هافبک عراقی پر سپولیس امروز در سمت راست خط دفاعی دور از کانال‌های مرکزی و جایی که در آن متخصص تر است به کار گرفته شد و حضور همیشگی اش در کنار خط باعث برتری عددی استقلال در خط هافبک بخصوص در نیمه اول شد. به نظر میرسد استفاده از بشار در پستی که به آن عادت نداشت یک خطای استراتژیک بود. **امیری مهاجم نیست:** وحید امیری در دربی از پس وظایف محوله بر نیامد و بخصوص در نیمه اول و زمانی که به عنوان بازیکن بین خط بازی می‌کرد نمایش امیدوار کننده‌ای از خود نشان نداد، اما در نیمه دوم با تغییر پست و حضور در جای همیشگی موثر تر بازی کرد. البته برانکو قصد داشت از امیری برای کم کردن برتری عددی استقلال استفاده کند که در این مورد توفیق چندانی نداشت.

کمال آماده بود؟ ربیع خواه چطور؟ بیشترین انتقاد از برانکو به استفاده همیشگی اش از محسن ربیع خواه مربوط می‌شود. شدت و فشار آنقدر در این زمینه بالاست که در نهایت برانکو را مجبور به تعویض ربیع خواه و حضور احمد نوراللهی در زمین کرد. در حالی که شاید پر سپولیس در آن لحظات به بازیکن تهاجمی تری نیاز داشت. در نهایت هم کمال و هم ربیع خواه چندان در وظایف محوله موفق ظاهر نشدند که البته این مسأله به خارج بازی کردن رسن و احمدزاده نیز بر می‌گشت.

صادق؛ قربانی یار وفادار: شاید برانکو برای استفاده از حسین ماهینی مصالحتی را مدنظر داشته که از دید ما پنهان است. به هر حال صادق محرمی در انتهای فصل پر سپولیس را ترک خواهد کرد و حسین ماهینی بازیکنی است که باید همچنان با وی ادامه داد و بنابراین برانکو از کاپیتانها و بازیکنان وفادار تیمش حمایت می‌کند اما حضور ماهینی در هافبک دفاعی و بازی صادق محرمی در دفاع راست احتمالاً تصمیم بهتری بود. اگرچه حالا که بازی به اتمام رسیده می‌شود همه چیز را زیر سوال برد.

